

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیرامون برگزاری پنجمین پلنوم کمیته مرکزی

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در آذر ماه سال جاری برگزار شد. پلنوم در فضایی رفیقانه و صمیمی گزارش هیأت اجرایی پیرامون شرایط ایران و جهان را استماع کرد و آن را پس از اصلاحاتی به تصویب رساند. پلنوم پس از بحث پیرامون اوضاع ایران و وظایفی که پیش روی نیروهای مردمی و مترقی، از جمله حزب توده ایران قرار دارد، طرح پیشنهادی برای تشکیل «جبهه واحد ضد دیکتاتوری» را تصویب کرد. پلنوم گزارش شعب مختلف مالی، انتشارات، تشکیلات و روابط عمومی کمیته مرکزی حزب را استماع کرد و کار شعب را در مجموع مثبت ارزیابی نمود و قرارهای لازم را برای پیش برد و گسترش فعالیت های حزب تصویب کرد.

پلنوم با توجه به مفاد اساسنامه، ضرورت تدارک چهارمین کنگره حزب توده ایران را در دستور کار همه ارگان ها و واحد های حزبی قرار داد و کمیته مرکزی را برای تهیه طرح برنامه و اساسنامه حزب و سپس انتشار آن برای نظر خواهی در میان اعضا، همکاران، دوستان حزب، درمیان حزب انتخاب کرد.

برگزاری پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در شرایط بسیار حساس میهن و تصویب برنامه پیشنهادی حزب برای تشکیل «جبهه واحد ضد دیکتاتوری» گام مهم و موثری در راستای تقویت سیاست و برنامه مبارزاتی حزب ما در بیکار علیه رژیم استبدادی «ولایت فقیه» است. پلنوم همچنین با تصویب قرار برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران، وظیفه بسیار حساس و مهمی را پیش روی همه رزمندگان توده ای و همه همکاران و دوستان حزب قرار داد که برای تحقق آن همکاری مسؤولانه و فعال تک تک رفقای حزبی ضرور است. پلنوم در انتها، هیأت اجرایی را بدیدار با رای مخفی انتخاب کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دی ماه ۱۳۷۴

برای تحول بنیادین جامعه، برای دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری! در ص ۳

پیام پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مردم ستم کشیده و مبارز ایران!

بزرگی برای غارت و چپاول منابع طبیعی، مادی و انسانی مردم ما بدل کنند.

سیاست خائنان برانداز «تعدیل ساختار اقتصادی» کشور، که از سوی هر دو جناح سرمایه داری بزرگ در درون حاکمیت - جناح رفسنجانی و جناح رسالت - به طور یکسان پیش برده می شود، در فاصله زمانی کمتر از یک دهه، مردم میهن ما را با فقر و محرومیتی شدید و بی سابقه روبرو ساخته است. سیر نجومی افزایش قیمت ها و گرانی طاقت فرسا به موازات سقوط شدید سطح درآمد مردم که نزدیک به نیمی از هم میهنان ما را به زیر خط فقر کشانده است؛ گسترش بی سابقه بیکاری که از روند خصوصی سازی و تعطیل واحدهای تولیدی در کشور سرچشمه می گیرد و خیل عظیمی از کارگران و زحمتکشان میهن ما را به

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه ترین درودهای رزمنده خود را به شما مردان و زنان زحمتکش، تحت ستم و مبارز میهنمان تقدیم می کند. میهن ما امروز در دشوارترین شرایط اقتصادی و اجتماعی دوران پس از انقلاب بهمن ۵۷ قرار گرفته است. نیروهای واپسگرا و سرکوبگر حاکم، که طی یک روند طولانی مدت ترور و سرکوب و تصفیه، مدافعان راستین آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما را با خسرونت از عرصه حیات سیاسی و اجتماعی ایران حذف کرده و یا دور نگهداشته اند و قدرت انحصاری و استبدادی حکومت را در دست های خونریز خود قبضه کرده اند، اکنون می روند تا با تکمیل کامل به دستورات سرمایه انحصاری بین المللی و بازوهای اجرایی آن، یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، کشور ما را بار دیگر به عرصه تاخت و تاز بی چون و چرای قدرت های بزرگ جهان و میدان

ادامه در ص ۷

پیش بسوی تدارک موفق چهارمین کنگره حزب توده ایران! در ص ۲

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۷۰، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۲ دی ماه ۱۳۷۴

دخالت های امپریالیسم آمریکا در ایران محکوم است

بر اساس گزارش های خبرگزاری های جهان کنگره آمریکا یک بودجه بیست میلیون دلاری برای تشدید فعالیت های این کشور علیه جمهوری اسلامی به تصویب رساند. افزون بر این کنگره آمریکا تصویب کرد شرکت هایی که با جمهوری اسلامی روابط تجاری دارند، برای قطع این روابط زیر فشار قرار گیرند.

ما در ماه های قبل به هنگام اعلام تحریم اقتصادی ایران از سوی دولت کلینتون اعلام کردیم که این عمل دخالت آشکار در امور داخلی ایران است و نمی تواند مورد حمایت هیچ نیروی آزادی خواه

ادامه در ص ۲

پیام های پنجمین پلنوم:

به کارگران و زحمتکشان

در ص ۴
به زندانیان سیاسی، خانواده شهدا و خانواده زندانیان سیاسی

در ص ۵
پیام به اعضا و هواداران حزب

در ص ۵
به نیروهای طرفدار سوسیالیسم

در ص ۶
به نیروهای آزادی خواه

در ص ۷

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

پیش به سوی تدارك موفق و پیروزمند چهارمین کنگره حزب توده ایران!

کمیسیون تدارك نظری کنگره، در نخستین نشست خود تصمیم گرفت که همچنین طرحی پیرامون ارزیابی های حزب توده ایران از علل شکست و فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی تهیه و در اختیار اعضا و هواداران حزب قرار دهد.

کمیسیون تصمیم گرفت تا حداکثر در مدت شش ماه دیگر طرح اولیه برنامه، اساسنامه و سند تحلیلی در اختیار اعضا و واحدهای حزبی قرار گیرد.

بدیهی است که برای تدارك موفق و پیروزمند چهارمین کنگره حزب توده ایران، شرکت فرد فرد اعضا و هواداران حزب و خصوصاً رفقای توده ای که در درون کشور مبارزه می کنند، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

روند تدارك دموکراتیک کنگره متکی بر اراده توده های حزبی، روندی است که قادر خواهد بود صفوف حزب را منسجم تر و کارایی تشکیلاتی، سیاسی و نظری حزب را در مبارزه دشواری که پیش رو دارد استحکام بخشد.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران همه اعضا و هواداران حزب را فرا می خواند تا با درک این مسؤلیت حساس و خطیر با تمام توان در راه تدارك هرچه موفق تر چهارمین کنگره حزب توده ایران تلاش کنند.

سومین کنگره حزب توده ایران در یکی از بحرانی ترین، دشوارترین و حساس ترین دوران تاریخ طولانی حیات و پیکار حزب توده ایران، علی رغم همه کار شکنی ها و سنگ اندازی ها به مشابه گامی در راه بازسازی سیاسی و تشکیلاتی حزب توده ایران برگزار شد. برگزاری سومین کنگره نتوانست با موفقیت، حزب را از بحران تشکیلاتی - سیاسی که حیات حزب را دچار مشکلات جدی کرده بود، نجات دهد و با تصویب برنامه و اساسنامه جدید به پیکار حزب علیه استبداد حاکم، استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی نیرویی تازه ببخشد.

بهمن امسال، چهارسال از برگزاری موفق و پیروزمند سومین کنگره حزب توده ایران می گذرد و بر اساس مفاد اساسنامه حزب ضروری است تا هر چه سریع تر کار تدارك برای برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران آغاز شود.

بدیهی است که برگزاری موفق و پیروزمند چهارمین کنگره حزب توده ایران در گرو کار و تلاش مشترک همه سازمان ها، رفاقا و هواداران حزب توده ایران است.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران بر این اساس کمیسیونی را برای تدارك نظری کنگره انتخاب کرد. این کمیسیون موظف است تا در اسرع وقت با بررسی همه جانبه شرایط و اوضاع کشور و جهان، طرح برنامه نوبین حزب و اساسنامه را تهیه و در اختیار اعضا و هواداران حزب برای نظر خواهی قرار دهد.

انتخابات روسیه ...

شرایطی چنین بفرغ و کمتر از ۴ سال پس از تلاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی به حزب کمونیست روسیه روی بیاورند بازتاب این حقیقت است که زحمتکشان از طریق مقایسه عمق درماندگی و فضاقت فعلی با زندگی قابل قبولی که در سیستم سوسیالیستی داشته اند به نتایج مشخصی رسیده اند. برای اکثریت مطلق مردم روسیه دوره چند ساله به اصطلاح «اصلاحات» مصادف با رکود اقتصادی و سقوط وحشتناک سطح زندگی مردم و کسترش فقر، جنایت و نا امنی بوده است. در حالی که در سیستم سوسیالیستی تمامی مردم از یک سری دستاوردهای جامعه نظیر بهداشت، آموزش و مسکن، اشتغال به طور یکسان بهره مند بودند در ۴ ساله اخیر در حالی

دخالت های امپریالیسم ...

و ملی قرار گیرد. مبارزه مردم ما علیه رژیم «ولایت فقیه» برای پایان دادن به سلطه استبداد و برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور، مبارزه ای است که تنها به مردم میهن ما و نیروهای سیاسی ایران مربوط است. ما همچنین اشاره کردیم که تحریم اقتصادی از سوی دیگر این امکان را برای رژیم فراهم خواهد آورد تا زیر پوشش مبارزه با تحریمات و مداخلات خارجی جو فشار و اختناق علیه نیروهای دگر اندیش در درون کشور را تشدید کند و همه بدبختی ها و نابسامانی های اقتصادی - اجتماعی را به عامل خارجی نسبت دهد.

نمونه های مشابه چنین اقدام هایی در منطقه ما از جمله تحریم اقتصادی اعمال شده علیه دیکتاتوری حاکم بر کشور مجاور ایران، عراق، در سه سال گذشته بر خلاف ادعای آمریکا نه تنها به سرنگونی حکومت دیکتاتوری این کشور منجر نشده است، بلکه زندگی را برای میلیون ها عراقی سخت و سخت تر کرده است و به عاملی در راه تشدید اختلاف ها در میان نیروهای مترقی و آزادی خواه این کشور نیز بدل شده است.

تصمیم های اخیر کنگره آمریکا بی شک کام دیگری است در تشدید دخالت آشکار در امور داخلی کشور ما و بر این اساس نمی توان از کنار آن گذشت. دخالت آمریکا نه به دلیل نبود دموکراسی در ایران و زیر پا گذاشتن خشن حقوق بشر، که تنها به خاطر تأمین منافع کوتاه و دراز مدت امپریالیسم جهانی در منطقه مهم و حساس خاورمیانه و خلیج فارس است. حمایت آشکار آمریکا از حکومت های دیکتاتوری در جهان و از جمله در کشور ما و از جمله تحمیل حکومت ضد ملی و ضد مردمی شاه که تنها وظیفه اش باز گذاشتن دست انحصارهای سرمایه داری در غارت کشور بود، برای دهه ها نشان داد که در پشت پرده دود این اقدام ها اهداف دیگری نهفته است که با اهداف جنبش ملی و آزادی خواهانه کشور ما همخوانی ندارد.

کوتاه سخن، آمریکا و متحدانش خواهان روی کار آمدن یک دولت وابسته در ایران هستند که مانند رژیم گذشته آماده اجرای فرامین کاخ سفید باشد. مردم ما در انقلاب بهمن ۵۷، با بیرون انداختن رژیم فاسد و وابسته شاه و به همراه آن بیش از سی هزار مستشار نظامی آمریکا نشان دادند که عمیقاً با چنین برنامه هایی سر ستیز دارند و حاضر نیستند دوباره به «جزیره ثبات» امپریالیسم در منطقه بدل شوند.

مبارزه مردم ما برای پایان دادن به استبداد قرون وسطایی حاکم متکی بر اراده خلق های کشور ما است و نیروهای ملی و آزادی خواه کشور حاضر نیستند در این راه به عامل دست بیکانگان برای تحقق اهداف شومشان بدل شوند. تنها نیروهایی از این اقدام خوشحال می شوند و از آن حمایت می کنند که به نحوی به سیاست های امپریالیستی وابستگی دارند و یا کسانی که تنها منافع کوتاه مدت گروهی - فرقه ای خود را در نظر دارند و در پی کسب قدرت به هر قیمتی هستند. ما بار دیگر همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را به مخالفت و مبارزه با این دخالت های آشکار و خطرناک دولت آمریکا در امور داخلی ایران فرا می خوانیم و تأکید می کنیم که برای خنثی کردن توطئه های داخلی و خارجی علیه کشور ما و بخاطر تأمین آزادی ها و حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی راهی جز اتحاد و همبستگی همه نیروهای مردمی و مترقی میهن وجود ندارد.

که اکثر مردم برای دستیابی به حداقل لازم برای یک زندگی قابل قبول در تلاش بوده اند، یک اقلیت کوچک از تجار یک شبه میلیوئر شده و از طریق خصوصی کردن کارخانجات و موسسات عمومی و دیگر اشکال سرقت، ثروت ملی را به یغما برده و زندگی های افسانه ای را برای خود ترتیب داده اند.

طبیعی است که در چنین وضعی مردم بار دیگر به حزب کمونیست روی آورند و از سوسیالیسم حمایت کنند. حقیقت اینست که مردم زحمتکش روسیه سرمایه داری را در عمل و از نزدیک آزمایش کردند و از تجربه خود شوکه شده اند. آنها اکنون به سمت دیگری نظر دارند. آنها مصمم به حرکت از نو در جهت و سوسیالیسم هستند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

برای تحول بنیادین جامعه، برای دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری!

پیش گفتار

کشور ما به یک تحول بنیادین، که عرصه های گوناگون زندگی مردم را در بر گیرد، نیازمند است. ما مارکسیست ها چنین تحول بنیادین را در چارچوب انقلاب اجتماعی امکان پذیر می دانیم. به باور ما انقلاب، که بر اساس تضادهای رشد یابنده اجتماعی نضج می گیرد و به مثابه عالی ترین شکل مبارزه طبقاتی تبلور می یابد، آن تغییر کیفی و تحول بنیادین در حیات جامعه است که حرکت به سمت تکامل و ترقی را تأمین کند و قدرت حاکمه را از دست یک طبقه به طبقه دیگر منتقل نماید. شرایط برای تحقق انقلاب هنگامی فراهم می آید که تضادهای موجود در جامعه به درجه ای رسیده باشند که دیگر همزیستی آنها در کنار هم ممکن نباشد. کشور ما در مسیر آماده شدن چنین شرایطی کام بر می دارد.

مهمترین وظیفه چنین تحول اجتماعی در شرایط کنونی، برچیدن بساط استبداد رژیم «ولایت فقیه»، استقرار دموکراسی و آزادی، و ایجاد شرایط مناسب برای بازسازی، توسعه، پیشرفت و استقرار عدالت اجتماعی در جامعه است. انقلاب اجتماعی، که وسیع ترین اقشار مردم و توده های کار و زحمت را در بر می گیرد، نمی تواند ثمره خواست و اراده یک فرد و یا یک گروه باشد. انقلاب، مولود وضع انقلابی و نیازمند وجود عوامل مساعد عینی و ذهنی در جامعه است.

امروز در ایران، به دلیل سیاست ها و عملکرد های ضد مردمی رژیم، رشد و تعمیق همه جانبه بحران اقتصادی - اجتماعی که تمامی حیات جامعه را فرا گرفته است و میلیون ها انسان را به شکل بی سابقه ای به ورطه فقر، محرومیت و زندگی در شرایط بسیار دهشتناکی کشانده است، مدتهاست شرایط عینی مساعد وجود داشته و دارد. عاملی که در شرایط حاضر کمبود آن به شدت احساس می شود، عامل ذهنی، یعنی تشکل، سیاست صحیح و عملکرد درست و پیکیر نیروهای راستین مدافع منافع مردم و توده های زحمتکش است، که بتواند مرکز مشخص مبارزه در مقابل رژیم استبداد را برپا کند. بر اساس چنین درکی است که حزب توده ایران مدتهاست بر ضرورت وحدت و همکاری و همیاری نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، برای ایجاد یک جبهه واحد در مقابل استبداد کنونی پای فشاری کرده است. چنین جبهه ای از نظر طبقاتی می بایست دربر گیرنده نمایندگان کارگران، زحمتکشان شهر و روستا، خرده بورژوازی، اقشار میانی و سرمایه داری ملی ایران باشد.

از آنجائیکه نخستین و مهم ترین وظیفه چنین جبهه ای برچیدن بساط رژیم استبدادی کنونی است، مهمترین خصلت، ضد دیکتاتوری بودن آن است. ما پیشنهاد های زیر را به منظور برنامه پیشنهادی خود برای جبهه واحد ضد دیکتاتوری با تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور در میان می گذاریم:

پیشنهاد های حزب توده ایران برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

۱ - ترکیب و ساختار جبهه:

جبهه واحد ضد دیکتاتوری، شامل کلیه احزاب، سازمان ها، نیروها و شخصیت های مترقی و آزادی خواه کشور است که در راه بر چیدن بساط استبداد رژیم «ولایت فقیه» مبارزه می کنند و هدفشان استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است. جبهه واحد ضد دیکتاتوری، به مثابه ستاد مشترک و واحد توده ها در مبارزه علیه استبداد، با توجه به شرایط و روند تحولات، تاکتیک های مبارزاتی را بر اساس توافق مشترک نیروهای شرکت کننده در آن تعیین می کند.

۲ - برنامه و اهداف جبهه:

جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای پایان دادن به استبداد و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند؛ خواهان جدایی کامل دین از حکومت است و تحقق برنامه های زیر را ضرور می داند:

ا: پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه»، به مثابه اعمال اراده یک فرد برجایه که تبلور آشکار و صریح دیکتاتوری فردی است. و استقرار دموکراسی؛
ب: استقرار یک حکومت ائتلاف ملی با هدف رفع محرومیت شدید در جامعه و تدوین برنامه های اقتصادی برای تحقق عدالت اجتماعی، و تأمین استقلال و حاکمیت ملی؛

ج: به رسمیت شناخته شدن حقوق کلیه احزاب، سازمان ها، و گروه های سیاسی برای فعالیت آزادانه؛

د: به رسمیت شناخته شدن حقوق کلیه اتحادیه ها، سندیکاها و تشکل های کارگری و زحمتکشان؛

ه: آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به شکنجه و پیکرد دگراندیشان؛

و: لغو سانسور و محدودیت از کلیه روزنامه ها، مجلات و نشریات؛

ز: انحلال فوری ارکان های سرکوبگر، از جمله وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، کمیته ها و دادگاه های انقلاب؛

ح: پایان دادن به سرکوب خلق های ایران، از جمله خلق کرد، بلوچ، آذربایجانی، ترکمن و عرب و شناسایی حق خودمختاری در چارچوب یک ایران واحد و دموکراتیک برای تمامی خلق های ایران؛

ط: پایان دادن به تجاوز و سرکوب حقوق زنان و لغو کلیه قوانینی که توسط رژیم «ولایت فقیه» در جهت سرکوب حقوق زنان به تصویب رسیده است.



ما در عین حال اعتقاد عمیق داریم که تأمین اهداف فوق ارتباط مستقیم با توان و نیروی جنبش کارگری در کشور دارد. تجربه سال های اخیر نه تنها در مین ما بلکه در کشورهای مجاور نشان داده است که بدون طبقه کارگر منسجم، سازمان یافته و حاضر در صحنه از بورژوازی و خرده بورژوازی نمی توان انتظار داشت که دموکراسی راستین را در جامعه تحقق بخشند. بر این اساس، مسأله اتحاد عمل و همکاری نزدیک نیروهای طرفدار منافع کارگران و زحمتکشان کشور، به یکی از عرصه های عمده فعالیت حزب در شرایط کنونی بدل می شود. امروز ضرورت اتحاد عمل و حتی در انتها وحدت سازمان های انقلابی مدافع طبقه کارگر ایران در یک حزب واحد بیش از پیش در دستور کار نیروهای چپ کشور ما قرار گرفته است و دورنمای اتحاد و در انتها وحدت چپ ایران را در شرایط بحرانی کنونی روشن تر می کند. اگر بتوان بر فرقه گرایی های مخرب و ریشه دار و پیش داوری هایی که ریشه در ذهنیات و تبلیغات گذشته دارد، فائق آمد، می توان امیدوار بود که کام های عملی مهمی را در این راه برداشت.

! نمایان رسد به بنیادین جامعه واحد

پیام پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کارگران و زحمتکشان

زحمتکشان میهن با درک ماهیت ضد مردمی و ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» و بی آینده بودن و فساد همه جناح های آن، که به قیمت تجربه تلخ دوران حاکمیت ۱۶ ساله آن حاصل گشته است، مبارزه خود را علیه رژیم به عنوان سد اساسی هرگونه تحول به سمت دموکراسی و آزادی و عدالت اجتماعی تشدید می کنند. این حقیقتی است که پایگاه رژیم محدود و محدودتر می شود. از این رو ما معتقدیم که جنبش کارگری کشور قادر است و می بایست نقش عمده ای در تحولات آینده کشور ایفاء کند. فراهم آوردن شرایط لازم برای آماده ساختن جنبش کارگری برای مصاف های آینده ساز علیه نیروهای ارتجاعی کشور که همواره از نقش و اهمیت طبقه کارگر هراس داشته اند، بیش از هر زمان دیگری از ضروریات مبرم جنبش کارگری میهن ما است.

با چنین درکی است که حزب توده ایران مبارزه هدفمند و عملی برای ایجاد و تقویت تشکل های مستقل کارگری و همچنین اتحاد عمل با دیگر نیروهای معتقد به حقوق زحمتکشان را از اهم وظایف خود می شمارد. تاریخ حزب توده ایران شاهدی زنده بر مبارزه خونین آن در راه تشکل و سازماندهی مبارزات زحمتکشان بوده است. ما معتقدیم که مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما بدون تشکل آن در اتحادیه های کارگری مستقل و مبارزه مشخص سازمان های سیاسی معتقد به حقوق طبقه کارگر، نمی تواند دستاوردهای لازم و واقعی را برای آنان به ارمغان بیاورد. از همین روست که حزب توده ایران محور اصلی سیاست های خود را متوجه فراهم آوردن شرایط تشکل کارگران در سازمان های صنفی و بوجود آوردن ارتباط لازم بین مبارزات صنفی و سیاسی متشکل و آگاه طبقه کارگر قرار داده است.

حزب توده ایران معتقد به پیوند ارگانیک میان مبارزات عمومی خلق در جهت طرد رژیم «ولایت فقیه» و مبارزه طبقه کارگر به خاطر تامین حقوق صنفی و سیاسی خود می باشد. ما همیشه بر آن بوده ایم که طبقه کارگر ایران انقلابی ترین و پیگیرترین نیروی مبارزه در راه دموکراسی، آزادی های بنیادین، استقلال و عدالت اجتماعی می باشد. کارگران و زحمتکشان مبارز!

تجربه سالیان اخیر نشان داده است که دستیابی به خواست های عاجل و بلاواسطه و نیز حرکت بسوی آینده ای فارغ از استثمار و ظلم طبقاتی، بدون مبارزه پیگیر و هدفمند شما زحمتکشان، صاحبان اصلی ثروت های مادی و معنوی کشور، شما سازندگان تاریخ، ممکن نیست. حزب توده ایران شما تولید کنندگان اصلی ثروت های میهن را فرا می خواند که تحت شعار پیش بسوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، با پرچم مبارزه برای تحول بنیادین جامعه برای دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی کارزار حیاتی طبقه کارگر را به محور اصلی مبارزات خلق تبدیل کنید. آینده ای فارغ از ستم طبقاتی، ملی و جنسی از آن شما است. حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما، فلسفه وجودی خود را در پیکار به خاطر دست یابی به چنین آینده ای دیده و می بیند، و از بدو تاسیس خود تاکنون لحظه ای در این امر خطیر درنگ نداشته است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

آذر ماه ۱۳۷۴

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای رزمنده خود را به شما، که در شرایط دشوار کشور درگیر مبارزه ای تعیین کننده به خاطر حقوق صنفی و سیاسی خود و تلاش متحد با سایر اقشار خلق جهت برپایی دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهن مان می باشید، تقدیم می دارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران در این روزهای دشوار برای زحمتکشان میهن، بر میثاق تاریخی خود در همبستگی رزمجویانه با مبارزات بغرنج و پیچیده کنونی طبقه کارگر تأکید ویژه نموده و همه اعضا و هواداران خود را فرا می خواند که با همه توان خود در اعتلای مبارزه متحد زحمتکشان کشور برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی بکوشند.

علی رغم سهم حیاتی و تعیین کننده ای که کارگران در تمامی تحولات دهه های اخیر کشور و به ویژه پیروزی جنبش ملی شدن صنایع نفت و نیز انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ داشته اند، شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر زندگی آنان بسیار دشوار و غیر قابل تحمل بوده است. سیاست های ضد ملی، ضد مردمی و ارتجاعی رژیم حاکم در سال های پس از انقلاب منجر به ایجاد ساختار اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بیمار، بحران زده و فاسد گشته است. اقتصاد کشور عملاً با بحران همه جانبه ای رویروست. پیروی تسلیم طلبانه رهبران رژیم از برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به ورشکستگی اقتصاد ملی و تشدید روند وابستگی به انحصارات سرمایه داری و امپریالیسم منجر گشته است. سیاست های مخرب اقتصادی رژیم که همه جناح های حاکمیت در اتخاذ آن سهم داشته اند میهن ما را در ردیف مقروض ترین کشورهای جهان سوم قرار داده است.

بحران ارزی کشور در کنار دیگر سیاست های ضد ملی و ضد مردمی رژیم که در نیم قرن اخیر بی سابقه بوده است به تعطیلی موسسات تولیدی، بیکاری میلیون ها کارگر و کرسنگی، بی خانمانی و نتیجتاً رشد فساد و جنایت در مقیاس وسیع منجر گشته است. کشاورزی کشور که از استعداد بالقوه فراوانی برخوردار است به دلیل سیاست های عقب مانده رژیم، عدم حمایت از محصولات داخلی، باز کردن بی رویه مرزهای کشور آنچنان از پا افتاده است که بسیاری از زمین های کشاورزی بایر و بی حاصل رها شده اند. رژیم حاکم نمی تواند با شعارهای بی محتوا نقش ویرانگر خود را در تشدید وابستگی کشور به انحصارات و کشورهای امپریالیستی بپوشاند.

هم اکنون بیش از ۳ میلیون نفر از زحمتکشان کشور بیکار هستند. آنان که به کار مشغولند از حقوق مکفی و شرایط کاری مناسب و انسانی محرومند. دستمزد اکثر کارگران و مزد بگیران بهیچوجه کفاف تهیه مواد ضرور و مورد نیاز یک زندگی عادی را نمی دهد. حوادث ناشی از عدم رعایت مسایل ایمنی در محیط کار، با کشتن و معلول ساختن و آسیب های دیگر روحی و روانی، قربانیان هرچه بیشتر می گیرد.

عدم وجود یک سیستم فراگیر تامین اجتماعی و همچنین سیاست آگاهانه رژیم در باز گذاشتن دست بخش خصوصی برای پاره پاره کردن سیستم های آموزشی و بهداشتی و درمان، بخش وسیعی از مردم کشور را در شرایط درماندگی اسف باری قرار داده است.

مبارزه پیگیر و هدفمند رژیم علیه تشکل هرگونه سازمان مستقل صنفی کارگران و سرکوب شدید سازمان های سیاسی ترقی خواه و مردمی سدهای جدی بر سر راه پیکار متشکل و سازمان یافته بخاطر تامین خواست های زحمتکشان ایجاد کرده است. علی رغم این محدودیت ها، شرایط عینی زندگی هر روز اقبال بیشتری را به مبارزه علیه سیاست های رژیم به میدان می کشاند. سال گذشته این مبارزات در قالب قیام خونین زحمتکشان اسلام شهر و همچنین مبارزات اعتصابی و گسترش یابنده نظیر آنچه در کارخانه بنز خاور و نساجی قائم شهر و دیگر مراکز صنعتی تولیدی در اقصی نقاط کشور صورت پذیرفت، اوج تازه ای یافت. علی رغم سرکوب این مبارزات و مقابله رژیم با توسل به انواع تمهیدات، آنچه بیش از پیش آشکار است، آمادگی روز افزون توده های زحمتکش برای مقابله با رژیم و اعتلای تدریجی ولی قطعی شرایط انفجار اجتماعی در کشور است.

پیام پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به زندانیان سیاسی،
خانواده شهدا و خانواده زندانیان
سیاسی!

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، دروهای پرشور خود را به شما عزیزان که در یکی از دشوارترین دوره های تاریخ معاصر، پرچم رزم و مقاومت خلق را افزاشته نگاه داشتید تقدیم می کند.

پایداری و ایثار شما علی رغم موج فزاینده اختناق و سرکوب، برگ زرینی است در کارنامه پرافتخار جنبش آزادی خواهانه مردم میهن ما علیه ارتجاع و استبداد و الهام دهنده و کرما بخش همه آن جان های شیفته ای که در این زمستان تیره و تاریک در میهن در بندمان برای آزادی و عدالت اجتماعی می رزمند.

رژیم «ولایت فقیه»، در سال های اخیر مرتکب یکی از تکان دهنده ترین جنایات سیاسی تاریخ معاصر کشور ما شده است که هر انسان آزاده ای را دردمند می کند و مرتکبان این جنایت را در ردیف سیاه کارترین جنایتان تاریخ بشری قرار می دهد. رژیم با دستگیری، شکنجه های وحشیانه تا دم مرگ و سپس اعدام های جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، گروهی از نمایندگان طبقه کارگر و زحمتکشان، بزرگترین دانشمندان، نویسندگان، مترجمان و رزمندگان راه آزادی و عدالت را از میهن ما ربود، تا شاید صدای خلق معترض را خاموش کند و با خیال آسوده به حیات خود ادامه دهد. حزب توده ایران به درستی این جنایت کم نظیر را یک فاجعه ملی خواند و آن را بزرگ ترین سند محکومیت رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» دانست.

امروز رژیم واپسگرایی «ولایت فقیه»، بیش از پیش در بحران اقتصادی - سیاسی دست و پا می زند و می کوشد با توسل به فشار و تشدید اختناق فرجام محتوم خود را به تأخیر اندازد. فرجامی که دیر یا زود به اراده مردم میهن ما رژیم استبدادی حاکم را به زیاله دان تاریخ خواهد سپرد.

و در آن خجسته روز رهایی میهن، مردم با آغوش باز و کل های سرخ فرزندان دلاور خود را از زندان های استبداد آزاد خواهند ساخت. و دیر نیست آن روز، که آرامگاه ابدی شهدا، این اسطوره های انسان دوستی، شجاعت و میهن پرستی غرق در کل شود و تندیس های این قهرمان های خاموش و به خون خفته خلق زینت بخش میادین میهن ما بشود. ما در برابر این همه فداکاری، ایستادگی و استواری شما خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و مقاومت قهرمانانه و اسطوره ای زندانیان سیاسی کشور مان و در برابر خاطره تابناک همه شهدای راه آزادی سر تعظیم فرود می آوریم و به این دلاوری ها درود می فرستیم.

دروود پرشور به زندانیان سیاسی و خانواده شهدا و زندانیان

سیاسی!

جاودان باد خاطره تابناک شهدای راه آزادی و عدالت اجتماعی!

نتگ و نفرت ابدی بر رژیم استبدادی «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

آذرماه ۱۳۷۴

پیام پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به اعضا و هواداران حزب

رفقای گرامی!

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران پر شور ترین دروهای انقلابی خود را به شما رزمندگان توده ای، که همچنان در این شرایط سخت و دشوار پرچم پرافتخار حزب توده ایران را در اهتزاز نگهداشته اید، تقدیم می کند.

پنجمین پلنوم، ضمن ارج گذاشتن به پیکار خستگی ناپذیر توده ای ها در راه دفاع از تاریخ پرافتخارشان و دفاع از آرمان های مارکسیسم - لنینیسم، یک بار دیگر بر این نکته تأکید کرد که تنها در شرایط مبارزه آگاهانه، منضبط و اصولی فرد فرد همه ما است که توطئه های دشمنان حزب، برای نابودی و حذف آن از صحنه سیاسی کشور با شکست روبرو می شود. و درست به خاطر تداوم و اوج گیری همین مبارزه است که موج جدیدی از تبلیغات زهرآگین، با هدف تحریف و بی اعتبار کردن تاریخ و مبارزه حزب ما آغاز شده است و در آن از ارگان های امنیتی رژیم جمهوری اسلامی و وابستگان به آنها، تا بلندگو های تبلیغاتی امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی راست دست در دست هم عمل می کنند. پنجمین پلنوم کمیته مرکزی اطمینان دارد که اینبار نیز توده ای ها با تشدید پیکار خود پاسخ شایسته این دشمنان محرومان، زحمتکشان و کارگران میهن ما را خواهند داد.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی، در محیطی سالم و رفیقانه و با مشارکت خلاق رفقا، پس از بررسی تحولات سیاسی ایران و جهان به نتایج و جمع بندی های مشخصی رسید که برای فعالیت آتی حزب از اهمیت فراوانی برخوردار است. پلنوم با توجه به رویدادهای جهان به این ارزیابی تأکید کرد که با گذشت پنج سال از فروپاشی تعدادی از کشورهای سوسیالیستی و بیکه تازی امپریالیسم جهانی زیر لوای «نظم نوین جهانی»، اکنون دیگر چهره کریه و غیر انسانی نظام سرمایه داری برای بخش های وسیعی از مردم این کشورها، عیان شده است و روند مبارزه توده ها برای احیای دستاوردهای سوسیالیستی در این کشور ها اوج تازه ای می گیرد. دیگر حتی سرمایه داری خود نیز اعتراف می کند که علی رغم پنج سال تبلیغات کرکننده دستگاه عظیم ارتباطات جمعی، هدف نابودی و شکست اندیشه های سوسیالیستی با ناکامی روبرو شده است. دوران عقب نشینی نیروهای چپ، احزاب کارگری و کمونیستی به پایان می رسد و هر روز نیروهای بیشتری با پشت سر گذاشتن دوران رکود به مبارزه روی می آورند. بدیهی است که توده ای ها با احساس مسؤلیت انترناسیونالیستی خود، از این مبارزات در هر کجا که باشد حمایت خواهند کرد و خود را بخشی از این مبارزه علیه سرمایه انحصاری امپریالیسم جهانی می دانند.

رفقای گرامی!

پنجمین پلنوم، همچنین با ارزیابی شرایط به شدت بحرانی و حساس کشور و اوج گیری روند رویگردانی توده ها از حاکمیت ضد مردمی، و تشدید در گیری ها در درون و پیرامون حاکمیت بر این مسأله تأکید کرد که علی رغم تضخ گیری شرایط عینی هنوز شرایط ذهنی لازم برای ایجاد یک جنبش سراسری برای تشدید مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه» موجود نیست. بر این اساس، پلنوم پیشنهاد برای ایجاد یک جبهه واحد زیر عنوان «پیش به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری» را به اتفاق آراء تصویب رساند و مبارزه در راه عملی ساختن چنین جبهه ای را مهمترین وظیفه پیش روی نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، از جمله حزب توده ایران ارزیابی کرد. پلنوم همچنین تدارک برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران را در دستور کار همه توده ای ها قرار داد. بدیهی است که برگزاری موفق و پربار چهارمین کنگره حزب در گرو کار مشترک و هماهنگ همه ارگان های حزبی و شرکت فعالانه همه اعضا و هواداران حزب قرار دارد. چهارمین کنگره وظیفه مهم و حیاتی ایجاد تغییرات ضرور در برنامه و اساسنامه حزب و همچنین جمع بندی نظرات حزب پیرامون فروپاشی و عقب گرد سوسیالیسم در برخی از کشورهای سوسیالیستی را عهده دار است. کمیته مرکزی از همه رفقا و هواداران حزب می خواهد تا فعالانه در این امر مهم شرکت کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیام پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به نیروهای هوادار سوسیالیسم برای اتحاد نیروهای چپ

رفقای گرامی!

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای گرم خود را به شما معتقدان به آرمان های کارگران و زحمتکشان تقدیم می کند و برایتان در مبارزه دشواری که پیش رو داریم موفقیت آرزو می کند.

نیروهای چپ و معتقد به سوسیالیسم سال های دشوار و دردناکی را پشت سر گذاشته اند. شکست و فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی در کنار تبلیغات کرکننده رسانه های گروهی خبری که در انحصار سرمایه داری جهانی قرار دارند پیرامون «پایان مارکسیسم»، «شکست سوسیالیسم»، «مرگ لنینیسم» و... در کنار خیانت و گسست افراد فرصت طلب و بی اعتقاد در مجموع معجون مرگباری بود که امپریالیسم جهانی تلاش می کرد به خورد توده های کار و زحمت بدهد و مبارزه طبقاتی در جهان را پایان یافته اعلام کند. ارکستر ناموزون طرفداران «نظم نوین جهانی» از مجیزگویان دیروز سرمایه داری تا تازه به دوران رسیده های چپ غا، همه یک نغمه منحوس را سر می دادند: مبارزه پایان یافته است و می بایست در مقابل اراده «آنانی جهان» امپریالیسم آمریکا تسلیم شد و از خواست های «تند روانه»، «کهنه شده» و «ارتدکس» دست برداشت و خلاصه کلام از اعمال گذشته «توبه» کرد تا راه آینده برای جا گرفتن در صفوف احزاب «متمدن» باز شود.

ولی این رویاهای خوش سرمایه داری خیلی زودتر از آنچه که سردمداران آن تصور می کردند، به کابوس وحشتناکی بدل شد که نام آن به قول یکی از ارگان های مطبوعاتی امپریالیسم (هفته نامه اقتصادی اکونومیست) «بازگشت کمونیسم» است. از خیابان های پاریس در قلب سرمایه داری انحصاری اروپا، تا واشنگتن و مسکو، طبقه کارگر و زحمتکشان به اعتراض وسیع علیه بی عدالتی نظام سرمایه داری به خیابان ها آمده اند و همان آرمان ها و خواست هایی را طلب می کنند که پرچم طرفداران سوسیالیسم را مزین کرده است. خواست های برحقى مانند: حق کار، حق تأمین اجتماعی، و تحقق عدالت اجتماعی، در نظامی که در آ اقلیتی پنج درصدی بیش از نیمی از ثروت جهان را زیر کنترل خود دارد.

امروز ظنین اعتراض کارگران و زحمتکشان روسیه و سراسر کشورهای سوسیالیستی سابق که هم نظام سوسیالیستی (هر چند با اشکالات) و هم سرمایه داری را تجربه کرده اند، و خواهان بازگشت و احیای دست آورده های سوسیالیستی در این کشورها هستند زنگ های خطر را در واشنگتن، لندن، پاریس و بن به صدا در آورده است. کسانی که تصور می کردند قادرند با اتکاب به تبلیغات کرکننده، تحریف و دروغ آرمان های والای بشری برای عدالت، برابری و خاتمه دادن به استثمار فرد از فرد را برای همیشه در یک تجربه ناموفق دفن کنند خود را از یک خطر جدی برهاند، امروز در مقابل واقعیت سخت جانی و مبارزه طلبی میلیون ها انسان مترقی و در راس آنها نیروهای معتقد به سوسیالیسم حیران مانده اند و استراتژی توینی را برای دوره بعدی مبارزه تدارک میبینند

در کشور ما ایران نیز استبداد حاکم، در کنار بلندگوهای سلطنت طلب و وابسته و «چپ» های وزده در کوره مبارزه، امیدوار بودند تا با پایان اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی، در عرض چند ماه احزاب و سازمان های راستین چپ نیز فروپاشند، یا رنگ عوض کنند و تسلیم «نظم نوین جهانی» شوند و بدین ترتیب «چپ توینی» متولد شود که وظیفه اش آشتی طبقاتی و ریختن آب روی آتش مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن مان باشد. ولی استواری و پایداری نیروهای طرفدار سوسیالیسم در ادامه مبارزه شان، علی رغم متهم شدن به «کهنه اندیشی»، «استالینیسم»، «دایناسوری» و... خام بودن این تصورات را روشن کرد و امروز حاصل این تلاش ها بیش از پیش رسوایی نیروهایی است که می خواستند «چپ توینی» ایران را همخوان با خواست های سرمایه داری جهانی سازمان دهی کنند.

اتفاقی نیست که ناگهان پس از سال ها ادعای «پایان یافتن» چپ در ایران و خصوصاً «ناپدید شدن» حزب توده ایران، به مثابه کهن ترین سازمان سیاسی میهن ما، ناگهان ده ها کتاب، جزوه، مقاله، نوشته از «کارشناسان» (ناشناس) منتشر می شود تا تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران را تحریف و نسل جوان کشور را به این

جنبش که نقش حیاتی در ایجاد یک انقلاب عمیق فرهنگی و اجتماعی در میهن ما داشته است، بدبین کند. اغراق نیست اگر بگوییم که هیچ تحول مترقی و آزادی خواهانه ای در ایران بدون دخالت نیروهای کمونیست انجام نگرفته است. از طرح موضوع عدالت اجتماعی، مبارزه برای حقوق زنان و کارگران تا دگرگون کردن فرهنگ و هنر جامعه به شکل تعیین کننده ای با فعالیت نیروهای چپ از توده ای ها تا جنبش فداییان و غیره ارتباط مستقیم داشته و هنوز دارد. ارتجاع ایران، چه در شمایل شاهنشاهی آن و چه در شمایل «ولایت فقیهی» آن نیز از همین اعتبار و نقش معنوی عمیق نیروهای چپ در کشور ما وحشت دارد و درست به همین دلیل است که علی رغم بیش از هفت دهه سرکوب خونین، هزاران کشته، شکنجه شده و رانده شده از کشور این درخت تنومند علی رغم قطع شدن شاخه هایش، زنده و سرسبز است و همچنان در نسل های کنونی و آینده کشور ما ریشه می دواند.

رفقای گرامی!

تاریخ معاصر کشور ما نشان داده است که هرگاه نیروهای چپ و طرفدار کارگران و زحمتکشان متحد و در کنار هم بوده اند، تحولات بسیار چشمگیر و مثبتی در ایران رخ داده است. ما اعتقاد عمیق داریم که موضوع تحقق آزادی و دموکراسی و استقرار عدالت اجتماعی در کشور ما ارتباط مستقیم با توان و سطح سازمان یافتگی چپ ایران به عنوان نماینده سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران دارد. تجربه هفت دهه مبارزه خونین نشان داده است که نمی توان از سرمایه داری عقب ماند در کشور امید تحقق عدالت اجتماعی و استقرار دموکراسی را داشت. حق گرفتنی است و برای دست یابی به آن می بایست متحد شد. در سال های اخیر تلاش های گوناگونی برای متحد کردن نیروهای چپ در ایران انجام گرفته است که علی رغم برخی موفقیت ها هنوز نتوانسته است این مهم را به سرمنزل مقصود برساند. امروز بیش از هر زمان دیگری شرایط برای تلاش مجدد و فایق آمدن بر مشکلات، پیش دآوری ها و اختلاف نظرهای گذشته که برخی اکنون مشمول گذشت حوادث جهان شده اند، مهیا است. نیروهای چپ تنها در صورت اتحاد آهنین خود خواهند توانست راه را برای تأثیر گذاری بر روند حوادث کشور هموار کنند و مهر و نشان خود را بر این تحولات برجسته کنند. چنین اتحادی به باور ما تنها گام نخست در راهی است که در انتهای آن وحدت تمامی نیروهای معتقد به سوسیالیسم در یک حزب واحد قرار دارد.

رفقای عزیز!

تاریخ بیش از هفت دهه جنبش کارگری و کمونیستی ایران به همه کمونیست های ایرانی تعلق دارد. این تاریخ سرشار از قهرمانی های هزاران مبارز راه آزادی و سوسیالیسم است که اسطوره و شیوه مبارزه سیاسی در کشور ما را آفریده اند و با رزم حماسی خود چنان بذر زینتی در ایران کاشته اند که هیچ نیرویی قادر به نابودی آن نیست. نقاط قوت این جنبش یاری دهنده ما در مبارزه و ضعف ها و شکست های آن درس های گرانبهایی است که کمونیست ها با شجاعت و جسارت از آنها خواهند آموخت و توشه راه آینده خود خواهند کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه دست خود را به سوی همه کسانی که در راه آرمان های والای طبقه کارگر ایران می رزمند دراز می کند و آماده است تا برای گشودن راه و باز کردن درهای بسته در کنار سایر نیروهای معتقد به این آرمان ها و وظایف خود را انجام دهد. طبقه کارگر ایران و میلیون ها انسان زحمتکش و رنج دیده این انتظار را از نمایندگان خود دارند و ما موظفیم به این وظیفه خطیر تاریخی پاسخ مثبت دهیم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

آذر ماه ۱۳۷۴

پیام پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به نیروهای آزادی خواه کشور

نیروی نظامی آن را سرکوب کند. افزون بر این اختلاف نظرها و پراکندگی نیروهای آزادی خواه کشور نیز مردم را نسبت به آینده مبارزه دلسرد و نامطمئن کرده است و بر این اساس است که علی رغم انزجار و نفرت میلیون ها ایرانی از رژیم «ولایت فقیه» حاکمیت کنونی توانسته است با وجود انبوه مشکلات و تکنگناها به حکومت خود ادامه دهد.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران با درک شرایط حساس و سرنوشت ساز کشور، پیشنهادهاى حزب توده ایران را برای برپایی ستاد مشترک مبارزه برای پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» جمع بندی و به عنوان طرح پیشنهادی حزب ما برای بحث پیرامون چگونگی تشکیل چنین جبهه ای منتشر ساخت. ما امیدواریم که انتشار این طرح بتواند راه را برای بحث و تبادل نظرهای بیشتر و برای دست یابی به یک برنامه مبارزاتی مشترک باز کند. حزب توده ایران قبلاً اعلام کرده بود که آماده است پیرامون پیشنهادهاى خود و نظراتی که از سوی دیگر نیروهای آزادی خواه و دموکرات ارثه می شود به مذاکره و تبادل نظر بپردازد. شرایط بحرانی کشور و خطرات عظیمی که میهن ما را تهدید می کند، این وظیفه تاریخی را پیش روی همه ما قرار داده است تا با کنار گذاشتن اختلاف نظرها، پیشداوری ها و تنگ نظری های سازمانی - فرقه ای کردهم آئیم و آلترناتیو ملی و دموکراتیک در مقابل رژیم «ولایت فقیه» را ایجاد کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۴

دوستان گرامی!

میهن ما در یکی از دشوارترین دوران تاریخ معاصر خود به تلاش و پیکار مشترک همه نیروهای آزادی خواه و دموکرات برای رهایی از بندهای استبداد قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» نیازمند است. امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که روند ویرانی میهن چه از لحاظ اقتصادی و چه از نظر اجتماعی فاجعه بزرگی است که اگر جلوی آن سد نشود، می تواند عواقب جبران ناپذیری برای میهن به بار آورد.

بحران اقتصادی که کشور را به ورشکستگی کامل مالی کشانده است، تشدید فشارهای طاقت فرسا بر میلیون ها انسان زحمت کش که در تلاش تأمین یک زندگی حداقل برای خود هستند، در کنار ترور و اختناق افسار گسیخته که در آن مردم کشور ما حتی در زندگی خصوصی خود فاقد هرگونه آزادی انتخاب هستند، بخش هایی از ابعاد فاجعه ای که برای متوقف کردن آن دیگر جای هیچ گونه تأخیر و درنگی باقی نمانده است.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از ارزیابی همه جانبه اوضاع کشور و با در نظر گرفتن انواع خطرهایی که ایران را تهدید می کند، از جنگ داخلی تا دخالت مستقیم خارجی، ضرورت تشکیل یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری متشکل از همه نیروهای آزادی خواه را عاجل ترین وظیفه همه کسانی که علاقمند به سرنوشت میهن و مردم ما هستند ارزیابی کرد. به گمان ما، علی رغم نضج گیری شرایط عینی، اوج گیری ناراضی توده ها و تشدید بحران سیاسی - اقتصادی رژیم، به دلیل نبود یک آلترناتیو ملی و مردمی اعتراض های وسیع توده ای به اشکال پراکنده و سازمان نیافته رخ می دهند و رژیم این امکان را پیدا می کند تا با استفاده از خشونت و

پیام پنجمین پلنوم به مردم ...

استیصال کامل رسانده است؛ وام های سنگین چندین میلیارد دلاری که بخش اعظم درآمد نفت کشور را به جای تقویت زیربنای اقتصادی و صنعتی کشور، صرف پرداخت بهره های نجومی به سرمایه داران بین المللی می کند؛ ورشکستگی کامل اقتصاد کشاورزی و روستایی کشور که به بی خانمانی و مهاجرت وسیع روستاییان ورشکسته به شهرها انجامیده است؛ نبود مسکن، بهداشت و امکانات آموزشی برای اکثریت عظیم خانواده های زحمتکش میهن ما، که بسیاری از آنها را به زاغه نشینی و حتی غارنشینی کشانده و انبوهی از جوانان میهن ما را به سوی درگیری و اعتیاد کشانده است؛ تحمیل ستم و استثمار مضاعف بر زنان ایران و پایمال کردن همه حقوق فردی و اجتماعی آنان زیر نقاب دفاع از مقررات مذهبی؛ و سرکوب خشن و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق اقلیت های ملی و مذهبی ایران؛ همه و همه، از ماهیت ضد مردمی و ضد ملی نیروهای حاکم بر سرنوشت میهن ما، که زیر پوشش «ولایت مطلقه فقیه» و دفاع از اسلام، هر فریاد اعتراض آزادیخواهانه، استقلال طلبانه و عدالت جویانه را به خشن ترین شکل در گلو خفه می کنند، حکایت دارد.

اما این سرکوبگری ها نه در دفاع از اعتقادات و اخلاق انسانی، بلکه در دفاع از منافع اقلیتی کوچک اما چپاولگر از تجار و سرمایه داران بزرگ است که توانسته اند با در دست گرفتن اهرم های قدرت سیاسی و نهادهای انتظامی و نظامی حکومت، میهن ما را به عرصه چپاول و غارت توده های میلیونی زحمتکش و اندوختن ثروت های نجومی برای خود بدل کنند. و در این میان چه بسا نیروهای صادق مسلمان که با خشم و انزجار به این جنایات که زیر نام اسلام انجام می گیرد می نگرند و شاهد خدشه دار شدن اعتقادات مذهبی و خواست های انسانی خود در زیر تیغ سودجویانه و فاسد تجار و سرمایه داران بزرگ حاکم بر میهن خود هستند. سرکوب خشن جنبش های اعتراضی توده های زحمتکش در شهرهای مختلف سراسر ایران، سرکوب خشن اعتراضات و اعتصاب های کارگری، و یورش سرکوبگرانه گروه های چماق به دست رژیم به شخصیت ها و نیروهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی مخالف، همگی حاکی از این است که سرمایه داران بزرگ حاکم بر کشور، برای حفظ منافع استثمارگرانه و ضد مردمی خود، مرزی میان

مخالفان مسلمان و دگراندیش خود نمی شناسند و آماده اند تا هر صدای حق طلبانه را، از سوی هر کس، با خشن ترین شیوه ها در گلو خفه کنند. سرمداران رژیم استبداد، که بخش اعظم پایگاه اجتماعی و حمایت مردمی خود را از دست داده اند، امروز می روند تا با تکیه بر قدرت های خارجی و سرمایه انحصاری بین المللی، عمر حکومت ضد مردمی خود را چند صباحی طولانی تر کنند. و تنها نبود یک آلترناتیو مترقی و مردمی متحد و نیرومند در سطح جامعه است که چنین امکانی را برای آنها فراهم می آورد.

بر اساس چنین درکی از واقعیت موجود در جامعه فاجعه زده ما است که پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران شعار «پیش به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری» را به منظور گردهم آوردن همه نیروهای آزادی خواه، استقلال طلب و عدالت جوی میهن، جدا از گرایشات و اعتقادات سیاسی و مذهبی آنها، برای پایان بخشیدن به وضعیت فاجعه بار موجود برای مردم زحمتکش میهن، مطرح ساخته است. هدف از تشکیل این جبهه، بازکردن فضای سیاسی و اجتماعی کشور، ایجاد امکان دخالت مستقیم مردم در امور حکومت و سرنوشت میهن خود، تضمین استقلال و یکپارچگی ملی و ارضی کشور که امروز بر اثر اعمال سیاست های ضد ملی و ضد مردمی سرمایه داری بزرگ وابسته حاکم بر کشور به شکلی فزاینده به مخاطره افتاده است، و تأمین عدالت اجتماعی و زدودن فقر و محرومیت از زندگی توده های میلیونی زنان و مردان و کودکان محروم و زیر ستم میهن ما، از طریق کوتاه کردن دست سرمایه داران بزرگ و غارتگران اقتصادی انگل صفت از حکومت و ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه است.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، متشکل از همه نیروها و شخصیت های مترقی و مردمی میهن را مناسب ترین راه پایان بخشیدن به استبداد حاکم و دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می داند و همه مردم زحمتکش، به ویژه کارگران و دیگر زحمتکش شهر و روستا، زنان، اقلیت های ملی و مذهبی و جوانان میهن را به مبارزه فعال در جهت تشکیل این جبهه فرا می خواند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۴

انتخابات روسیه: پیروزی بزرگ برای کمونیست ها و نیروهای چپ

هستند. رفیق والتین کوپتسوف، معاون صدر حزب کمونیست گفت که هیأت رهبری حزب در جلسه ۲۰ آذر ماه خود تصمیم گرفت که خواستار انتخاب سخنگوی پارلمان از میان کمونیست ها شود. کمونیست ها همچنین خواستار کنترل کمیسیون های کلیدی پارلمان هستند که نقشی مهم و اساسی در قانونگذاری خواهند داشت.

XXX

گر چه هنوز هم نمی توان احتمال دستکاری در نتیجه انتخابات در برخی مناطق را منتفی دانست ولی مشخص است که مخالفان و در مرکز آنان نیروهای چپ و حزب کمونیست فدراسیون روسیه نقشی اساسی در تحولات آینده کشور ایفاء خواهند کرد. این واقعیتی است که طبق قانون اساسی دست پخت یلتسین، پارلمان نقش عمده ای در تعیین سیاست های عمده اقتصادی و سیاسی کشور ندارد و تمامی قدرت در دست رئیس جمهور متمرکز است لیکن این هم واضح است که با چنین رای شکننده ای عملا دولت یلتسین مشروعیت خود را نه فقط در داخل بلکه در خارج از روسیه از دست داده است. از هم اکنون روشن است که بلوک چپ و حزب کمونیست قادر خواهند بود به موازات ادامه یک انتقاد پیکر و کارا علیه سیاست های دولت، زمینه های عملی مصاف آینده را در انتخابات ریاست جمهوری که در ماه خرداد صورت می گیرد آماده کند. با در نظر گرفتن این که چندین حزب چپ و نیروهای کمونیست خارج از حزب کمونیست فدراسیون روسیه از هم اکنون اعلام آمادگی کرده اند از کاندیداتوری کنادی زیوکائف برای ریاست جمهوری حمایت کنند، موقعیت نیروهای طرفدار سوسیالیسم را برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری شدیداً تقویت خواهد کرد. اینکه عده کثیری از زحمتکشان روسیه در

آنگاه مشخص تر می شود که تقلبات و تمهیدات آنها را در مانعت از پیروزی نیروهای مخالف در نظر بگیریم. مهمترین این تقلبات دستور فرماندهان ارتش به واحدهای تحت فرمان خود به حمایت از حزب «خانه ما روسیه» بوده است. روزنامه مسکووسکی کامسومولتس گزارش داده است که وزیر دفاع، پاول گراچف قبل از انتخابات اظهار کرده بود که ارتش از حزبی که مورد حمایت یلتسین باشد پشتیبانی خواهد کرد. وزارت دفاع در ۳۰ آذر ماه اعلام کرد که بیش از دو سوم از ۱/۷ میلیون پرسنل نظامی آراء خود را در حمایت از «خانه ما روسیه» به صندوق ها ریخته اند. مسکووسکی کامسومولتس می گوید: «البته اینکه چرا سربازان چنین دراماتی و متفاوت با بقیه کشور رای داده اند، چندین علت دارد واضح ترین آن اینست که فرماندهانشان دستور داده بودند که چنین رای بدهند». در اغلب واحدهای نظامی بین ۶۰ تا ۷۵ درصد آراء به نفع حزب نخست وزیر داده شده بود.

حمایت توده ها از حزب کمونیست مخالفت آنها با دولت، عملا سیلی محکمی به صورت یلتسین بود که شب قبل از انتخابات در پیامی خطاب به مردم روسیه از آنها خواست اجازه ندهند «نیروهایی که متعلق به گذشته هستند» دوباره قدرت را بدست گیرند. حزب کمونیست عملا میزان آراء خود را در مقایسه با انتخابات سال ۱۹۹۳ دوبرابر کرده است. رهبر حزب کمونیست، کنادی زیوکائف در یک مصاحبه تلویزیونی با تمجید از عملکرد حزب نتیجه انتخابات را تبلور خواست مردم برای پایان دادن به سیاست های تئولیرالی دولت دانست و گفت که مردم خواهان خاتمه اثرات فاجعه بار اقتصاد بازار آزاد هستند. او گفت که نتیجه کلی انتخابات رای عدم اعتماد به اصلاحات دولت می باشد. «فقط نگاه کنید که خاور دور چگونه رای داد. مطلقاً هیچ حمایتی از دولت وجود ندارد». زیوکائف گفت که دولت باید استعفا دهد. «نگاه کنید چه تعدادی از مردم به دولت اعتماد دارند. یک نفر از هر ۱۰ نفر... چگونه دولتی می تواند در چنین شرایطی ادامه حیات بدهد». پیروزی رهبران سرشناس مخالف دولت نظیر ماکاشف، از سران قیام پارلمان در کاخ سفید در اکتبر ۱۹۹۲، به عنوان کاندیدای حزب کمونیست دولت یلتسین را در وضعیت دشواری قرار داده است. چرا که مخالفان دولت خواست خود را برای تغییر پایه ای سیاست های جاری به وضوح اعلام کرده اند. گرچه مقامات رسمی دولت اصرار می ورزند که نتیجه انتخابات سیاست های داخلی و خارجی روسیه را عوض نخواهد کرد لیکن پیروزی نیروهای چپ و این حقیقت که حزب کمونیست بطور برجسته ای بزرگ ترین گروه نمایندکان را در پارلمان خواهد داشت تغییراتی را به دولت تحمیل خواهد کرد. از هم اکنون کمونیست ها خواستار اشغال مواضع کلیدی در پارلمان

میلیون ها رای دهنده روس با حمایت نیرومند از حزب کمونیست و نیروهای چپ در انتخابات پارلمانی روز ۲۶ آذرماه مخالفت خود را با سیاست های فاجعه بار یلتسین و اصلاحات «اقتصاد بازار» ابراز کردند. سطح موفقیت حزب کمونیست نه فقط از پیش بینی بنگاه های نظر سنجی که حمایت مردمی از حزب را کمتر از ۱۴٪ گزارش کرده بودند، بلکه حتی از انتظار خود رهبران حزب که پیش بینی ۱۵ تا ۲۰ درصد آراء را کرده بودند، فراتر رفت. بر اساس نتایج اعلام شده حزب کمونیست ۲۲ درصد آراء عمومی را به خود اختصاص داد. کاندیداهای حزب کمونیست همچنین موفق شدند که در ۲۵ درصد مناطق انتخاباتی بر رقبای خود پیروز شوند. آخرین نتایج اعلام شده پس از شمارش بیش از ۹۰ درصد آراء نشان می دهند که حزب کمونیست و موکلفین آن حداقل ۲۰۷ کرسی از ۴۵۰ کرسی دوما را به خود اختصاص داده اند. با در نظر گرفتن احتمال تصاحب کرسی های بیشتر از سوی کمونیست ها در بقیه مناطق که نتایج آنها هنوز اعلام نشده و اینکه درصدی از مجموع ۷۰ نماینده مستقل که در انتخابات پیروز شده اند و می توانند نمایالت چپ داشته باشند، این احتمال که کمونیست ها و موکلفین آنها اکثریت مطلق پارلمانی را در دست داشته باشند بسیار قوی است.

نتیجه انتخابات همچنین شکست آشکارا احزاب راست و طرفدار دولت بود. حزب نخست وزیر ویکتور چرنومیردین ه بنام «خانه ما روسیه» که علناً مورد حمایت یلتسین و تمام دولت بود حدود ۱۰ درصد آراء عمومی را بدست آورد و کاندیداهای آن فقط در کمتر از ۵ درصد مناطق توانستند به پارلمان راه یابند. (در انتخابات دوما نیمی از ۴۵۰ کرسی از طریق رای برای احزاب شرکت کننده تقسیم می شود و نیمی دیگر از طریق کاندیداها در ۲۲۵ منطقه انتخاباتی مشخص می شود).

عملاً از ۴۲ حزبی که رسماً در انتخابات شرکت کردند فقط ۴ حزب توانستند بیش از ۵٪ آراء را بدست بیاورند و سهمی از ۲۲۵ کرسی که از طریق آراء نسبی تریجی تقسیم می شود، داشته باشند. پس از حزب کمونیست با ۲۱/۹۹ درصد، حزب لیبرال دموکرات ژیرینوسکی با ۱۱ درصد، حزب خانه ما روسیه با ۱۰ درصد و بلوک انتخاباتی یابلوکو با ۷/۲ درصد در مقام های بعدی قرار دارند. چندین حزب و بلوک انتخاباتی بیش از ۴/۵ درصد ولی کمتر از ۵ درصد رای آورده اند و لذا امکان شرکت در تقسیم کرسی های دوما را نخواهند داشت.

فضاحت شکست دولت یلتسین در انتخابات

ادامه در ص ۲

شادباش به هم میهنان مسیحی!

«نامه مردم» فرا رسیدن سال نو میلادی را به همه هم میهنان مسیحی تبریک می گوید و شادکامی و بهروزی برای آنان آرزو می کند. ما امیدواریم که سال نو سال پیروزی های بزرگ و سال رها شدن صیهن ما از بند و زنجیر استبداد رژیم «ولایت فقیه» و سال پایان تبعیض های قومی و مذهبی و سال تحقق آرمان های والا و انسانی آزادی، برابری و عدالت اجتماعی باشد. تحقق این آرمان ها در گرو پیکار مشترک همه ما در کنار هم علیه دشمن واحد، رژیم دیکتاتوری حاکم بر میهن ماست.

NAMEH MARDOM: No:470
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

2 January 1996

شماره فاکس ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

